

تحلیل روند آینده‌پژوهانه از مطالعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

حمیدرضا معمری^{۱*}

غلامرضا بهروزی‌لک^۲

چکیده

هدف: این نوشتار به دنبال کشف روند شکل‌گیری مختصات فضای مطالعات سیاسی موجود با استفاده از آینده‌پژوهی به روش تحلیل روند است تا بتواند با رویکردی تجویزی، راه را برای دست یافت به مطالعات سیاسی مطلوب در نظام ج.ا.ایران هموار نماید.

روش‌شناسی پژوهش: برای این مهم، دو روند کلان واگرا و هم‌گرای مطالعات سیاسی مطلوب، بیان گردیده و به ایده‌های شکل‌گیری و پیش‌ران‌های آن بدون ورود مفصل به مصادیق آن پرداخته می‌شود. روندهای غرب‌گرایی، شرق‌گرایی و ملی‌گرایی به‌عنوان روندهایی واگرا و همچنین روند تمدن‌گرایی اسلامی به‌عنوان روندی هم‌گرا در این مقال بررسی خواهند شد. در ادامه روند نظام آموزشی در کشور، به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این تحلیل روند می‌توان آینده‌های بلندمدت و میان‌مدتی نیز برای مطالعات سیاسی تصور کرد.

یافته‌ها: با نیم‌نگاهی به تحلیل روند و بررسی وضعیت موجود مطالعات سیاسی در خواهیم یافت که این حوزه دانشی، باوجود پیشرفت‌های خیره‌کننده نظام ج.ا.ایران با محوریت علوم تجربی، در حال درجا زدن بوده و شرایطی ناهمگون با اهداف متعالی نظام ج.ا.ایران دارد.

نتیجه‌گیری: تحلیل روندهای دانشی در نظام ج.ا.ایران حاکی از آن است که اول قدم این مسیر پر فراز و نشیب، درک وضع موجود، دیدن درست نقطه‌ی مطلوب و راهکارهای به‌هنگام و به‌اندازه برای گذار از وضع موجود به مطلوب است.

کلیدواژه‌ها: روند، ایده، پیش‌ران، مطالعات سیاسی.

Email: armanemrouz@gmail.com

۱- دانشجوی دکترای اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد واحد

علوم تحقیقات (نویسنده مسئول)

Email: baharesepid1@gmail.com

۲- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مقدمه

مطالعات سیاسی^۱ به‌عنوان دانشی ذیل علوم انسانی، پیشینه‌ای سترگ در تاریخ تفکر بشری دارد. این دانش با گستره گرایش‌های متنوع اعم از فلسفه، فقه و کلام سیاسی در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی تا گرایش‌های کاربردی یا تجربی و همچنین بینارشته‌ای یا واسطه‌ای با سایر علوم، جایگاه برازنده‌ای در شکل‌دهی فضای فکر و اندیشه علوم انسانی را از آن خود نموده است. از سویی دیگر این دانش، ارتباط مستقیم با روزآمدی و کارآمدی مبانی نظری هر نظام سیاسی دارد. با این نگرش، تأمل در مسیر پر فراز و نشیب آن، اهمیتی دو چندان پیدا می‌نماید.

وظیفه کلیدی این پژوهش، احصای روندهای کلانی است که محصول گذار منظم تغییرات محتوای مطالعات سیاسی است. این روندها خود بستر را برای شکل‌گیری آینده‌های متصور پیش‌روی مطالعات سیاسی فراهم می‌آورند. زمانی که این روندها، هم سو با افق مطالعات سیاسی مطلوب باشد، از اهرم سیاست‌های عمومی در جهت تقویت آنها استفاده می‌شود و چنانچه هم سو با آن نباشد، از اهرم‌های سیاست‌های عمومی به منظور تصحیح مسیر و یا جلوگیری از ظهور آنها بهره‌گیری می‌شود.

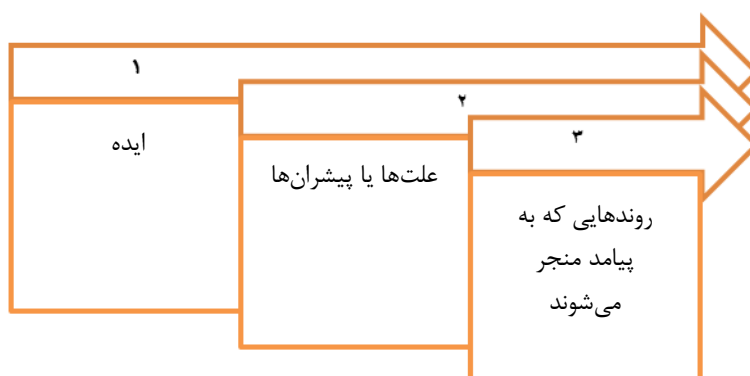
روش‌شناسی تحلیل روند

تحلیل روند^۲ یکی از زیرشاخه‌های روشی در آینده‌پژوهی است. دانش آینده‌پژوهی با نگاه به پیچیدگی‌های جهان، قابلیت برپایی هوشمندانه و تا حدی دلخواه آینده را فراهم می‌سازد و در فضایی اطمینان بخش و مشارکتی، آینده‌ای مطلوب را رقم می‌زند (پدرام، ۲۰۱۱: ۲-۹). از مهم‌ترین روش‌های به‌کار گرفته شده در آینده‌پژوهی می‌توان به پویا محیطی، ذهن‌انگیزی، پنل، دلفی، تحلیل روند، سناریو، ترسیم چشم‌انداز و... اشاره داشت که برخی از آنها، از ترکیب با برخی دیگر، به‌وجود آمده است. به‌طور عمده در حال حاضر آینده‌پژوهان، خود را به یک شیوه خاص محدود نمی‌نمایند و سعی در استفاده از ظرفیت‌های متنوع و متفاوت هر یک از روش‌های آینده‌پژوهی دارند.

در تحلیل روند، جمع‌آوری اطلاعات در خصوص روندها و روابط میان آنها در یک نظام سیاسی و این که کدامیک از این اطلاعات به چشم‌انداز مطالعات سیاسی یاری می‌رساند، اهمیت دارد (قدیری، ۲۰۱۱: ۵۲)؛ علاوه بر این می‌توان به دنبال اهدافی همچون: ایده یا علت اصلی شکل‌گیری روند، شناسایی پیشران‌های اصلی یا بنیادی و پیشران‌های بالقوه در قالب پیشران‌های موضوعی و زمانی، تعیین فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه برای مطالعات سیاسی و پیش‌آگاهی به نخبگان سیاسی نسبت به این روندها بود (اندی، ۲۰۰۶: ۱۸-۳۱)^۳

1. Political Studies
2. Trends analysis
3. Andy

روندها تغییرات منظم در داده‌هاست؛ که امتداد آن از گذشته تا حال ادامه می‌یابد. روندها دریچه‌ای برای کشف آینده در پیش‌رو هستند. روندها را یکی از عناصر چهارگانه ساخت آینده دانسته‌اند (اسلاتر، ۲۰۰۸: ۱۴۰). روندها به نوبه‌ی خود، محصول یک علت یا ایده اصلی هستند. این ایده را مجموعه عوامل مؤثر دیگری همراهی می‌نمایند که از آنها به‌عنوان پیش‌ران نام می‌برند. این پیش‌ران‌ها گاهی به‌صورت گزاره‌ی موضوعی و گاهی به‌صورت یک گزاره زمانی نمود پیدا می‌نمایند. محصول یک روند نیز پیامدهایی خواهند بود که در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نمود می‌یابند.



شکل ۱: مراحل شکل‌گیری یک روند

بنابراین در تحلیل روند مطالعات سیاسی با پرسش‌هایی همچون چیستی روندها، ایده و مبنای فکری آن، عوامل شتاب‌دهنده یا کاهنده‌ی حرکت، پیامدهای تغییر مسیر و چگونگی تغییر مسیر روندهای نامطلوب به روندهای مطلوب روبه‌رو هستیم (کورنیش، ۲۰۰۸: ۱۳۱). پس از شناخت روندها می‌توان با تصویر کشیدن آینده، هویتی ساخت که افق پیش‌رو را نمایان سازد. این آینده تصویر شده از دو مؤلفه «اهداف پر مخاطره» و «توصیف شفاف» تشکیل می‌شود. کالینز و پوراس اهداف پر مخاطره را به اختصار بی‌هگ^۱ (هدف بزرگ سخت متهورانه) نامیده‌اند (لیندگرن، ۲۰۱۱: ۹۱). این اهداف نشان می‌دهند که نظام سیاسی جهت تحقق مطالعات سیاسی کارآمد، درصدد چه اقداماتی است (ملکی‌فر، ۲۰۰۶: ۸۵-۹۲). دومین مؤلفه آینده تصویر شده، توصیف شفاف از جایی است که نظام سیاسی با اهداف متهورانه، به آن خواهد رسید. در این مرحله باید چشم‌انداز مطالعات سیاسی از کلمات و واژه‌ها، به توصیف شفاف و ملموس برای شهروندان و نخبگان سیاسی مبدل شود (خزایی، ۲۰۰۶: ۶۲).

1. "BHAG": Big Hairy Audacious Goal

مفهوم‌شناسی مطالعات سیاسی

آنچه که این میراث‌گران‌های بشری به‌دست ما رسیده حجم وسیعی از دانش سیاسی است که تعریف آن را دشوارتر ساخته است. مطالعات سیاسی - در معنای عام خود - به‌عنوان یک رشته در آموزش عالی تا حدی نو بوده و طی صد سال گذشته رشد یافته است (عالم، ۲۰۰۹: ۲۱). به گفته یلینک «هیچ علمی به اندازه سیاست نیازمند دانش‌واژه‌های دقیق نیست». گستردگی و تنوع مفاهیم مطالعات سیاسی حتی نام آن را نیز در بر گرفته است (حقیقت، ۲۰۰۸: ۱۲۶). در کنار این‌ها می‌بایست تعدد قرائت‌های صورت‌گرفته را نیز بر آن افزود. این مسئله به‌ویژه وقتی مفاهیم سیاسی با ارزش‌دوری‌ها و تمایلات ایدئولوژیک - که گاه ناخودآگاه هم هستند - آمیخته می‌شود، نیز شدت می‌یابد (همان: ۱۳۶-۱۵۰).

مطالعات سیاسی به معنای عام خود، در بسیاری از پژوهش‌های اجتماعی ذیل موضوعاتی چون تاریخ، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اخلاق، آمار، جغرافیا سهیم بوده است (بشیریه، ۲۰۰۳: ۱۳). به‌طور کلی مطالعات سیاسی در کلیت و جامعیت خود، دانشی است که: اولاً ساختار و کارکرد نظام سیاسی را مورد شناخت، ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار می‌دهد. ثانیاً به ترسیم و تبیین بهترین و کارآمدترین نوع دولت و حکومت می‌پردازد. ثالثاً راهکارهای تحول از وضع موجود به وضع مطلوب سیاسی را جستجو می‌کند.^۱

پیشینه و روند مطالعات سیاسی در ایران

مطالعات سیاسی در ایران با پیشینه تاریخی آن در تمدن اسلامی و ایرانی، به هم پیوسته است. پیشینه‌شناسی مطالعات سیاسی، ما را بیشتر در این امر که چرا برخی از روندها در ایران امروز رو به کاستی نهاده یا در مقابل فربه شده‌اند، به تأمل وا دارد. مطالعات سیاسی در ایران باستان، در ردای اندیشه‌های سیاسی ایران شهری و شاهی آرمانی خود را نشان می‌دهد (مینوی، ۱۹۷۵). این اندیشه سیاسی پس از ظهور اسلام و فتح ایران به دامان تمدن اسلامی رفت و در دوره‌های بعدی خود را بازتولید نمود. رگه‌هایی از این تفکر در نظریه‌های قدیم سیاسی در اسلام خود را نشان داده که سعی در نسبت دادن اقتدارگرایی مکنون در نظام سیاسی به تقدیر الهی داشته‌اند. با توجه به این امر است که برخی از مستشرقین عقیده دارند که از نظر مسلمانان صدر اسلام شاهان غاصبان قدرت خدا بودند و از نظر مسلمانان دوره‌های بعد مظهر و تجسم این قدرت (کرون، ۲۰۱۰: ۲۸۱).

با ظهور اسلام، مطالعات سیاسی بر مدار نص و با سرشتی تفسیری شکل می‌گیرد. اندیشه سیاسی اسلامی مجموعه‌ای از باورهای (فلسفی و غیرفلسفی) است که به‌طور مستقیم به اداره امور جامعه

۱. این تعریف برگرفته از سند پشتیبان کارگروه علوم سیاسی سند جامع علمی کشور است؛ از آنجایی که این نوشتار برای ترسیم وضع مطلوب خود، آینده‌هایی را در نظر دارد و رویکردی تجویزی را برگزیده است لذا برای تعریف مطالعات سیاسی به چارچوب اسناد بالادستی ج.ا.ایران استناد می‌شود.

مرتبط است و جلوه‌های آن در قالب فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و کلام سیاسی سامان یافته است (مهاجرنیا، ۲۰۰۷). در یک نگاه کلان این اندیشه‌ها در دو بخش نگاه اهل سنت و شیعه به حوزه حکومت و سیاست تقسیم می‌شود. البته در این میان ما شاهد شکل‌گیری فلسفه‌ی سیاسی در تمدن اسلامی دوره میانه، با پیش‌تازی امثال فارابی نیز بوده‌ایم. اندیشه‌های فارابی از این جهت مورد توجه است که مهم‌ترین و واپسین تلاش‌ها در جهت تأسیس و تدوین نظامی از اندیشه عقلی، در سیاست دوره اسلامی از آن اوست. پس از وی این سینا با پیوند میان نبوت و سیاست، راهی را که فارابی گشوده بود در مسیری متفاوت هدایت کرد.

میراث اندیشه سیاسی شیعه از آن پس نسل به نسل گذر نمود تا خود را در چارچوب کلام و بیشتر فقه گسترده نموده و با اتخاذ استراتژی «تقیه و انتظار» در صدد حفظ جامعه شیعی برآید. تأسیس دولت صفوی و الزامات عملی و نظری آن، زمینه‌ای برای تحول در مفاهیم اجتماعی فقه و ورود عناصری جدید در فقه سیاسی شیعه بود که از نظر کمی و کیفی قابل توجه است (درخشه، ۲۰۰۵: ۴۷). در این دوره، اندیشه‌های سیاسی فقها، ارتباط با حکومت موجود را پذیرفت و در خود پروراند (طباطبایی‌فر، ۲۰۱۰). در دوره قاجار نیز به‌واسطه ورود جنگ با دول منطقه، نفوذ بیش از پیش اندیشه‌های غیردینی و هرج و مرج در کشور، نوعی نزدیکی به حکومت و تقویت حاکمیت سیاسی به‌ویژه در زمان فتحعلی شاه قاجار از سوی فقها دیده می‌شود. حضور فعالانه علمای شیعه در جریان مسائل اساسی کشور، تحول روش‌شناسانه فقه و استنباط احکام شرعی با برجسته شدن بساط اخباری‌گری و بنیان نهادن اجتهاد نوین شیعه را در این دوره شاهد هستیم. در اواخر دوره قاجار این رویکرد فعالانه به عرصه سیاست با اتخاذ راهبرد مبارزه دوسویه علیه استبداد و استکبار بیشتر جلوه نموده است.

دوره مشروطه با مواجهه صریح مؤلفه‌های نظام سیاسی جهان غرب و نفوذ و بسط آن در میان نخبگان و سپس توده مردم، پذیره‌های سیاسی و حقوقی در ایران را شکل داد و به‌عنوان عامل چالش‌زا در مقابل سنت‌های تاریخی جامعه ایرانی عمل نمود (عنایت، ۱۹۸۶: ۵۰). مطالعات سیاسی در این بستر، مشروطه‌خواهی را ابزاری برای تحدید قدرت دربار و کاهش نامشروعیتی تلقی می‌کرد که از نظر علمای شیعه به‌صورت کلی در دولت‌های زمان غیبت اجتناب‌پذیر بوده است (الگار، ۱۹۸۱: ۳۱). گام اساسی در مسیر تحول فقه سیاسی را دو عالم بزرگوار یعنی علامه نایینی و شیخ فضل‌الله نوری در حوزه نظر و عمل برداشتند (فیرحی، ۲۰۱۰: ۲۰۹). روند طی شده مطالعات سیاسی در دوران مشروطیت، سرفصل مناظرات نظری سیاسی در حوزه سیاست بین دو جناح سکولار و مذهبی پس از دوران مشروطیت و به‌خصوص بعدها در دوره پهلوی اول و دوم شد (حسینی‌زاده، ۲۰۰۷).

ظهور اندیشه‌ی استبدادی و غرب‌گرا در دوره پهلوی در کنار ورود نابسامان اندیشه‌های مارکسیستی در کشور و پیروی روشنفکران از آن، باعث شکل‌گیری دوره‌ای حساس در حوزه مطالعات سیاسی شد که بازیگران آن را عناصر غرب‌گرای مستقل، نظام آموزشی غربی، روشنفکران دینی و علمای شیعه شکل می‌دادند. اسلام سیاسی فقهاتی نیز به‌عنوان عنصری محوری به‌واسطه طرح اندیشه امام

خمینی(ره) خود را نمایان می‌نمود تا مقدمه‌ای برای طرح نظریه سیاسی ولایت فقیه و علت‌العلل انقلاب اسلامی و سامان یافتن نظام سیاسی جمهوری اسلامی باشد.

روندهای کلان مطالعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

می‌توان به‌طور کلی دو روند کلان را با همه فراز و نشیب‌های خود، در نظر گرفت. روندی که هم‌گرای با مطالعات سیاسی مطلوب در نظام ج.ا.ایران بوده و به نوعی پیش‌برنده آن نیز باشد و روندی که واگرایی با آن بوده و بازدارنده تحقق آن به‌طور حداقلی یا حداکثری خواهد بود. در روند هم‌گرا نسبت مشخصی با منابع غنی بومی و اسلامی برقرار می‌شود و تأکیدها بر نیازهای بومی متمرکز است هرچند توفیق چندانی در آن حاصل نشود اما در روند واگرا نسبت مبهم یا بعضاً متضادی میان منابع غنی بومی و اسلامی با نیازهای داخلی نظام ج.ا.ایران برقرار می‌شود. قبل از احصای این روندها، ذکر نکات ذیل اهمیت دارد:

- روندهای مطالعات سیاسی به دلیل گستردگی و در برخی از موارد پیوستگی با سیاست عملی، شاید به حوزه عملی سیاست گرایش پیدا نماید لذا سعی بر این است که در بیان این روندها، مؤلفه‌های تأثیرگذار مطرح گردد.
- ما به دنبال جریان‌شناسی نیستیم و مقصود از نوشتار، روندنمایی محیط و منابع مطالعات سیاسی و تحلیل آن است. بنابراین از ورود جزئی‌تر و طرح مصداقی روندها پرهیز خواهیم کرد و بیشتر متمرکز بر مؤلفه‌های روندی خواهیم شد. در بیان شاخصه‌های روندها، ابتدا به ایده، سپس پیشران‌های آن و در نهایت، پیامدهای روند اشاره می‌گردد.
- مطالعات سیاسی مطلوب بر پایه‌های منابع غنی بومی که محوریت آن را نیز آموزه‌های دینی و اسلامی دارد، بنا خواهد شد لذا برای ترسیم روند می‌بایست توجه به نسبت هر یک از روندها با حوزه دانشی دین اسلام داشت.
- توجه و تأکید جداگانه بر روند ایجاد، استمرار و ثبات نظام آموزشی، از حیث اجرا و سیاست‌گذاری است که فرای روندهای موجود با توجه به اهمیت بالایی که داشته و دارد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روندهای واگرا

روند غرب‌گرایی

روند غرب‌گرایی دارای سابقه‌ی طولانی در ایران بوده و از دوره‌ی صفویه و به‌طور جدی‌تر در عصر مشروطه برجسته می‌شود. این روند سعی دارد تا با تحقق شاخص‌های ظاهری و عینی نوسازی غربی در زمینه‌های فنی، علمی و مسائلی که بیشتر جنبه تجربی و حسی دارد، به زعم خود شکاف توسعه‌ی ایران را با تمدن غربی پر نماید. به این ترتیب، شاهد نوسازی آمرانه‌ی دولتی در ایران بر اساس الگوهای

تقلیدی از اروپا در دوران پهلوی اول و دوم نیز هستیم (جهانبخش، ۱۹۹۶: ۴۸). بیان زیبای آیت‌الله سید حسن مدرس در آن دوران به یادگار باقی مانده که؛ در رژیم نوبی که نقشه آن را غرب‌گرایان ایران بینوا طرح کرده‌اند، نوعی از تجدد را با رسواترین قیافه تقدیم نسل‌های آینده خواهد نمود (صفوی، ۱۹۸۹: ۸۶). البته این روند را با نام‌های تجددگرایی یا مدرنیته نیز می‌شناسند که عناصر شکل‌دهنده آن با همه‌ی مظاهر و مصادیقی که در قالب مفاهیم مدرن از مردم‌سالاری و شهروندی، علم و فن‌آوری، عرصه‌ی زیبایی‌شناختی و هنری و فلسفی دارد، در علم، فلسفه، اقتصاد، سیاست و مذهب یک مجموعه هماهنگ را تشکیل می‌دهند (هودشتیان، ۲۰۰۱: ۱۷).

همین روند در دوران ج.ا.ایران نیز در حوزه اندیشه ادامه داشته و به‌عنوان یک روند فعال شناخته می‌شود. در بررسی روند نظام آموزشی، به ابعاد بیشتری از این مسئله اشاره خواهیم داشت. این روند به دلیل دنباله‌روی از اندیشه‌های غیربومی متمایل به دنیای غرب، در سیر تاریخی خود دارای ایده‌های متفاوتی شده است اما ایده‌ای که از آن می‌توان در دوره نظام ج.ا.ایران با تأکید در حوزه مطالعات سیاسی نام برد، تلاش برای تحقق نظام اندیشه سیاسی مبتنی بر لیبرال دموکراسی است. این ایده به‌طور گسترده‌ای و با ادبیات گوناگون در این روند تئوریزه شده است.

تحقق نظام اندیشه سیاسی مطلوب غرب‌گرایان، ملزوماتی را نیز خواهد داشت. یکی از الزامات این روند، بروز عینی و ذهنی سکولاریسم است. سکولاریسم در فارسی دارای معادل یا تعریف‌کننده‌هایی است که از آن جمله می‌توان به دنیاگرایی، این‌جهانی‌گرایی، جداانگاری دین و دنیا، عرفی‌گری، جداانگاری دین و سیاست، نادینی‌گری، علمی و عقلانی شدن تدابیر اجتماع اشاره داشت (سروش، ۱۹۹۷: ۴۲۴). سکولاریزاسیون نیز فرایندی است که در آن نقش دین و باورهای دینی در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی کم‌رنگ می‌شود (گیدنز، ۱۹۹۵: ۳۸۴). این واژه در تعاملی با دین شکل گرفته و عمدتاً نسبت خود را در نفی یا اثبات زوایایی از آن تعریف نموده و سامان داده است (جعفری، ۱۹۹۷: ۲۵)

از پیشران‌های موضوعی این روند نیز، نوع نگاه به مقوله‌ی انسان، خرد و دانش، دنیا و آخرت و نسبت میان این دو و دست آخر مقوله‌ی دین در این روند خواهد بود که مبتنی بر نظام اندیشگانی غرب می‌باشد. از دیگر پیشران‌های موضوعی، انسان‌مداری حداکثری در ارزش‌ها، منافع، خواست‌های این جهانی، نگاه یک سوپه‌ی مادی انگارانه و خود بسنده و خودکفا دانستن انسان، اکتفا به خرد خود بنیان بشری و همچنین نوع نگاه به دانش و تحویلی‌نگری دانش در مقوله خرد و دانش، جداانگاری سیر زندگانی دنیایی از آخرت و غایت معاد و عرفی نمودن دین می‌باشد که نماد این گونه ارزش‌ها تأکید بر اصل آزادی به‌عنوان ارزشی حداکثری و البته محدود به عدم نفی حوزه آزادی دیگران است (شاکرین، ۲۰۰۹: ۸۰ تا ۷۳). این پیشران‌ها با تأثیری که بر فضای مطالعات سیاسی ذیل علوم انسانی داشته‌اند، به نوعی جوهر علوم انسانی نوین را شکل داده‌اند. از همین‌رو معرفت‌سازی و جامعه‌پردازی نیز در آن معطوف به همین ایده و پیشران‌های آن است.

پیشران زمانی که می‌توان عنوان نمود، گسترش گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی می‌باشد. این پیشران که در چارچوب یک فرآیند زمانی خود را نمایان ساخته، روند کلان مطالعات سیاسی را در مسیر روند واگرا هدایت نموده و روند هم‌گرایی را که تا آن مقطع در حال بازیابی خود بوده و مراحل ابتدایی را طی می‌کرد، تضعیف نمود. چرخش فضای سیاسی کشور و طرح شعارهای سیاسی با موضوعاتی چون جامعه‌ی مدنی، توسعه سیاسی، اصلاحات سیاسی، آزادی سیاسی و... همگی باعث شد که زمینه‌ای برای رشد روند غرب‌گرایی فراهم آید چرا که در همین دوره بوده که عناصر شاخص این روند، مراکز و نشریات تأثیرگذار آن انتشار و فعالیت داشته‌اند. دوره اصلاحات به بیانی دوره اوج شعارهای غرب باورانه و تفاسیر غیربومی در مطالعات سیاسی بوده است. تقلید بدون توجه به نیازهای فکری داخل کشور، این دوران را به یک ناسازه در روند مطالعات سیاسی مطلوب تبدیل نموده است. البته تقریباً همین چارچوب فکری نیز در دوره حکمرانی دولت‌های بعدی نیز به حیات خود ادامه داد و به‌خصوص مقارن با دولت‌های یازدهم و دوازدهم با رشد و تقویت بیشتری همراه شد. بر اساس برخی از پژوهش‌های صورت‌گرفته سازه‌های نظری باعث ناکامی گفتمان‌هایی شده است که در نظام ج.ا.ایران شگل گرفته‌اند. به تعبیر دیگر اگر چه برخی فرضیه‌های دیگر بر فشارهای نهادی و موانع ساختاری از سویی و ناتوانی نخبگان سیاسی برای گفتمان‌سازی از سوی دیگر تأکید دارند اما اساساً نبود گزاره‌های مردم‌سالاری دینی، جامعه مدنی دینی، حقوق بشر اسلامی و قانون‌گذاری اسلامی، تمامی گفتمان‌هایی را که یک پا در تجدد داشته‌اند را به‌عنوان ناسازه‌هایی ناکارآمد معرفی نموده‌اند (خلجی، ۲۰۰۷: ۲).

روند شرق‌گرایی

روند دیگری که در این مجال می‌توان از آن نام برد روند شرق‌گرایی با محوریت اندیشه مارکسیسم بوده و به‌عنوان تفکرات چپ و شرقی در مقابل تفکرات غربی دیده می‌شود. این روند که در مقایسه‌ی با روند غرب‌گرایی به نوعی حداقلی به حساب می‌آید، چرا که بیشتر در دهه اول عمر نظام ج.ا.ایران خود را نشان داده و بنا به اصول و مبانی خود بیشتر در فضای سیاسی و همچنین احزاب و گروهک‌های سیاسی بازتولید شده است. این روند به دلیل سابقه‌ی اندیشه‌ی سیاسی در دوران قبل از انقلاب به‌خصوص در حوزه هنر و مطالعات سیاسی، تأثیرات کمتری نسبت به روند غرب‌گرایی بر مطالعات سیاسی داشته است.

این روند را شاید بتوان با ایده‌ی تحقق نظام اندیشه‌ی سیاسی مطلوب شرق قدیم یعنی کمونیسم یا سوسیالیسم شناخت. این دو کلید واژه با تعریف به هم پیوستن و با هم شریک‌شدن به نوعی به دنبال تحقق زندگی اشتراکی یا همراه با هم بوده و با محدود نمودن مالکیت خصوصی و بالابردن نقش نظارتی دولت البته در ابتدای امر بر رفع تضاد طبقاتی به دنبال تأمین رفاه برای اقشار مردم به‌خصوص اقشار آسیب‌پذیرتر می‌باشد. اومانیسم و در نظر نقش اجرایی برای انسان، اعتقاد به ماتریالیسم و روبنایی

دانستن دین و مذهب، اعتقاد به پیشرفت، تأکید بر مفهوم مدرن کار، اصالت نسبی یا مطلق به اراده جمعی، اعتقاد به اصالت اراده مردم در قانون گذاری و اجرا جزو مبانی این روند بوده که در نقش پیشران‌های آن نیز ظاهر می‌شوند (زرشناس، ۲۰۰۲: ۱۴۶ تا ۱۵۳). حزب توده و سازمان چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، جنبش مسلمانان مبارز و... به‌عنوان گروه‌های مهم این روند ارزیابی می‌شوند.

روند ملی‌گرایی

ملی‌گرایی آمیزه‌ای از وطن پرستی و آگاهی بر ملیت و یا یک حالت روحی است که در آن فرد عالی‌ترین حد وفاداری خود را نسبت به ملیت و میهن خویش ابراز می‌دارد (بابایی، ۱۹۹۰: ۷۵۶). در روند ملی‌گرایی با ایده‌ی اصالت پادشاهی ایرانی مواجه هستیم که به مطلوبیت نظام پادشاهی و ارزش‌های ملی و وطنی می‌انجامد. تفاخر ملی یا وطن پرستی، باستان‌گرایی، تأکید بر ایرانیت به جای اسلامیت، ارائه مدل سلطنتی و... از پیشران‌های آن به حساب می‌آید. این روند بازتولید جبهه‌ی ملی در دوران مصدق بوده و بنا بر همان اصول گام برمی‌دارد. در این روند نیم نگاهی به اندیشه‌های مدرن با پذیرش سکولاریسم صورت می‌گیرد که ماحصل آن اعراض از وضع موجود در دوران نظام ج.ا.ایران و بازگشت به دوران قبل از اسلام است. این روند نیز در مقایسه با سایر روندها به‌صورت حداقلی، زیست می‌نماید و بیشتر در طبقه‌ی متوسط به بالا به‌صورت حداقلی و بخشی از طبقه‌ی نخبگانی جامعه جایگاه دارد.

روندهای همگرا

روند تمدن‌گرایی اسلامی

روندهای همگرا، با نظر داشت به پیشینه‌ی شکل‌گیری آن و تأثیر دین و روحانیت بر فضای اندیشه‌ی سیاسی نظام ج.ا.ایران، به‌طور عمده بر پایه همین عناصر استوار است؛ یعنی با شکل‌گیری از دل حوزه‌های علمیه، که حضرت امام خمینی (ره) محصول آن به حساب خواهد آمد، سامان می‌یابد. اساساً چارچوب مطالعات سیاسی مطلوب نظام ج.ا.ایران از دل معارف غنی شیعی و با قرائت‌های داهیه‌انه رهبران عالی نظام سامان یافته است.

اصلی‌ترین روند همگرا، روندی است که ما از آن با عنوان تمدن‌گرایی اسلامی نام می‌بریم. این روند با تحقق اندیشه‌های حضرت امام در نظام ج.ا.ایران و با رهنمودهای رهبران عالی نظام ج.ا.ایران جامعه علم به خود پوشید. این روند هم‌گرا خود را در ارکان نظام ج.ا.ایران بازتولید نمود و با ایده‌ی مردم‌سالاری دینی مبتنی بر الگوی ولایت مطلقه فقیه و پیشران‌های موضوعی؛ طرح پیوستگی دین و سیاست، حضور رسمی دین در عرصه سیاست و پذیرش مسئولیت سیاسی توسط نمایان دینی نمود یافت. یکی از مهم‌ترین پیشران‌های زمانی این روند هم‌گرا، اصل شکل‌گیری انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ می‌باشد. اگر انقلاب را تحول اساسی و زیر بنایی در ارزش‌ها، نهادها و چارچوب‌های حاکم

بر یک جامعه بدانیم، آنگاه انقلاب اسلامی را می‌بایست یکی از عواملی دانست که با ایده ولایت فقیه و ولایت دین بر جامعه اسلامی روند مطالعات سیاسی را در ایران تحت تأثیر خود قرار داد.

انقلاب اسلامی باعث شد که روندهای واگرا تضعیف و روند هم‌گرای مطالعات سیاسی مطلوب ج.ا.ایران تقویت، ساخت‌مندی و استمرار پیدا نماید. تأسیس ج.ا.ایران موجب تأثیراتی در فقه سیاسی شد که این تأثیر را می‌توان در عرصه‌هایی نظیر روش فقه پژوهی تا شناسایی موضوعات جدید و گشودن افق‌های جدید برای فقها در عرصه‌های سیاسی اجتماعی ملاحظه کرد (ارسطا، ۲۰۱۱: ۴۲).

این تغییر نگاه به‌طور مستقیم روند هم‌گرا را با سرعت به پیش راند و زمینه را برای تغییر نگاه به سایر حوزه‌های معارفی نظام از جمله فلسفه اسلامی گشود. به برکت انقلاب اسلامی و قوام یافتن نظام ج.ا.ایران، علما و محققان شیعه برای پاسخ‌گویی به طیف گسترده چالش‌های سیاسی در جهان معاصر دست به کار شدند و سه اقدام مهم را در دستور کار قرار دادند: اول بازشناسی میراث گرانبهای فقهی، فلسفی، کلامی، تفسیری، عرفانی و... که برای قرن‌ها به علت وجود شرایط نامساعد در لابلای متون کتاب‌ها باقی مانده بود؛ دوم، بازنگری در این میراث و به روز کردن مباحث آن با استفاده از اصل بی‌بدیل اجتهاد و سوم شناسایی دقیق و عالمانه مفاهیم و نهادهای سیاسی مدرن و تطبیق آن با اصول و منابع اصیل شیعی (کمالی اردکانی، ۲۰۰۷: ۱۴۹)؛ انقلاب اسلامی باعث شد که جنس گفتمان‌های غالب در ایران و همچنین جهت دغدغه‌های اساسی به‌خصوص در طبقه روحانیت دچار تحول شده و آرا و افکار در همسویی با نیازها و ملزومات تحقق تمدنی اسلامی قرار گیرد. باید اشاره داشت که ما با دو مرحله متمایز مواجه هستیم. اولین مرحله تحول گفتمانی در اندیشه سیاسی شیعه است که زمینه‌ساز انقلاب اسلامی شده و دیگر گفتمان سیاسی نوینی که در دوران نظام ج.ا.ایران خود را نمایان نموده است. همچنین ما با دو دغدغه اساسی در اندیشه سیاسی شیعه به‌خصوص از دوران مشروطه به بعد روبه‌رو هستیم. دسته اول این دغدغه‌ها سوالات ثابت و پایداری هستند که به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، مبنای مشروعیت حکومت اسلامی، شکل حکومت اسلامی، شرایط حاکم مسلمان و مسائلی از دست، می‌پردازند. دسته دوم از این دغدغه‌ها با توجه به عناصر زمان و مکان خود را بروز می‌دهند. برای نمونه در حالی که گفتمان سیاسی شیعه در عصر مشروطه، برای اولین بار بحث درباره مفاهیم و نهادهای نوین سیاسی چون آزادی، حاکمیت مردم، قانون اساسی، مجلس، تفکیک قوا و نیاز یا عدم نیاز به آنها مدنظر علما و اندیشمندان شیعه قرار داشت، در گفتمان جمهوریت و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی تقریباً همه علما و اندیشمندان شیعه، مفاهیم و نهادهای نوین را پذیرفتند و تنها بر سر چگونگی اسلامی کردن آنها بحث می‌کردند (میرموسوی، ۲۰۰۵: ۳۴۱).

اگر بخواهیم اصول اساسی اندیشه‌ی سیاسی قوام یافته در آراء و نظرات امامین انقلاب اسلامی را واکاوی نماییم، بی‌شک یکی از بن‌مایه‌های اصلی آن مراجعه به کلان ایده‌ی سیاست متعالیه و حکمت صدرایی است. جا دارد در همین مجال قدری بیشتری راجع این موضوع صحبت شود؛ صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (متوفی ۱۰۵۰ق) مشهور به ملاصدرا فیلسوف، عارف شیعی و بنیانگذار مکتب

فلسفی حکمت متعالیه به عنوان یکی از مکاتب مهم فلسفی در جهان اسلام که به صدرالحکما و صدر المتألهین نیز معروف است. او نظام فلسفی خود را در مهم‌ترین کتاب خود الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة معروف به اسفار تبیین کرد. از نظر او تمایز اساسی حکمت متعالیه نسبت به سایر مکاتب فلسفی در رویکرد عرفانی آن است. خواجه نصیر در شرح اشارات، حکمت متعالیه را حکمتی می‌خواند که میان بحث و نظر از یکسو و کشف و ذوق از سوی دیگر جمع می‌کند. در مقابل این نوع حکمت، حکمت مشاء، یعنی حکمت بحثی صرف است. ملاصدرا، ملاک متعالی بودن حکمت را اتصال به عالم امر و دریافت افاضه و رحمت الهی می‌داند. سازگاری عقل و وحی از مشخصه‌های حکمت متعالیه است. دریافت‌های عقل بشری بر اثر اتصال به عالم امر تعارضی با وحی و دین پیدا نمی‌کند (ویکی شیعه).

منظومه فکری ملاصدرا، تلفیقی آشتی‌جویانه بین فلسفه مشاء و فلسفه اشراق، عرفان و معارف، کتاب و سنت، از مجاری عقل، وحی و دل است و در ابعاد نظری و عملی، نگاهی جامع به هستی و انسان دارد. حکمت متعالیه او، در حقیقت، حکمت متعادلی است که با رهیافتی نوین، همه طرق معرفت‌شناسانه را همسو و سازگار می‌کند و انحصارات برهانی فیلسوفان، بافته‌های اشراقی عارفان و براهین وحیانی متکلمان را نقض می‌کند و با رویکردی مسالمت‌جویانه، یافته‌های عرفانی در سفرهای روحانی را با ترازوی برهان می‌سنجد (مهاجرنیا، ۱۹۵۹).

مکتب حکمت سیاسی متعالیه مکتبی خدامحور است. در این مکتب، خداوند متعال حضور جدی و اصلی در متن زندگی فردی و اجتماعی دارد. عناصر جدی هستی در این تفکر عبارتند از: خدا، انسان و طبیعت. مکتب حکمت سیاسی متعالیه غایت‌مدار و هدف‌محور است. در این تفکر همه‌ی عناصر فکری و عملی به سوی خدا، قیامت و خیر و سعادت و تکامل انسان تنظیم می‌شوند. نظام سیاسی مورد نظر صدرالمتألهین، نظامی دینی است. در عصر رسالت، پیامبر در رأس نظام سیاسی است و در عصر غیبت، حکیم الهی، مجتهد جامع‌الشرایط و عارف ربانی و سرور عالم و در رأس نظام سیاسی قرار دارد (لک‌زایی، ۲۰۱۹: ۱۴۸-۱۵۰).

پیرامون حکمت صدرایی به‌ویژه در سال‌های اخیر، دریچه‌های نوینی باز شده و چارچوب تکفیری این اندیشمند بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.^۱ همان‌طور که اشاره رفت و در همین جملات نیز کاملاً برجسته است، مشاهده می‌شود که اثر تفکر صدرایی بر امامین انقلاب اسلامی و گفتمان اسلام سیاسی در آن بی‌بدیل است. امام خمینی (ره) در پیام مهم و تاریخی خود به میخائیل گورباچف می‌نویسد: «از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه صدرالمتألهین - رضوان الله تعالی علیه و

۱. ر.ک به اندیشه سیاسی صدرالمتألهین نوشته دکتر لک زایی، اندیشه سیاسی ملاصدرا نوشته دکتر عقیل یوسفی، حکمت متعالیه و تفکر فلسفی معاصر نوشته دکتر رضا اکبریان، فلسفه سیاسی در حکمت متعالیه دربرگیرنده مجموعه مقالات همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتألهین و خیل آثار و مقالاتی که در این باره به نگارش در آمده است.

حشره الله مع النبیین و الصالحین - مراجعه نمایند، تا معلوم گردد که: «حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده، و هر گونه اندیشه از ماده منزه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد»^۱. امام خمینی(ره) در کتاب کشف‌الاسرار عبارت عجیبی درباره ملاصدرا دارد. ایشان می‌نویسد: «محمد بن ابراهیم شیرازی از بزرگترین فلاسفه الهی و مؤسس قواعد الهیه و مجدد حکمت مابعدالطبیعه، او اول کسی است که مبدأ و معاد را بر یک اصل بزرگ خلل ناپذیر بنا نهاد و اثبات معاد جسمانی با برهان عقلی کرد و خلل‌های شیخ‌الرئیس را در علم الهی روشن کرد و شریعت مطهره و حکمت الهیه را با هم اثتلاف داد، ما با بررسی کامل دیدیم هر کس درباره او چیزی گفته از قصور خود و نرسیدن به مطالب بلند پایه اوست.»

پیشران زمانی مؤثر بعدی که می‌توان از آن نام برد، انقلاب فرهنگی است. محوریت این پیشران را تاثیرگذاری بر روند آموزشی با هدف دگرگونی و تحول نظام دانشگاهی شکل می‌داد. هر چند هدف نخبگان انقلابی از اسلامی کردن دانشگاه‌ها به رشته تحصیلی خاص محدود نمی‌شد، ولی در عین حال، هدف اصلی انقلاب فرهنگی را بیش از همه چیز نوعی تحول و دگرگونی بنیادین و عمیق در علوم انسانی تشکیل می‌داد و از میان دروس دانشگاهی به تناسب میزان وابستگی آنها به غرب، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بیشتر از سایر دروس مورد نقد و بررسی قرار گرفت و بر ضرورت تغییر محتوایی آنها تأکید شد (ازغندی، ۲۰۰۳: ۹۱). انقلاب فرهنگی مولود دغدغه‌ها و نگرانی‌های انقلاب یاورانی بود که فضای آموزشی را تجربه نموده و ساز و کار آن را برای پیاده‌سازی اهداف انقلاب ناکارآمد می‌دانستند. شکل‌گیری انقلاب فرهنگی و تشکیل کمیته‌های بازنگری در سرفصل‌های محتوایی دانشگاه‌ها، زمینه را برای طرح سؤالات و بازنگری‌های عمده درباره علم جدید و نهادهای آن در جهان فراهم آورد و نگاه‌ها را به سویی فراتر از آنچه که در سابق بر این مطرح بود کشاند.

آخرین پیشران زمانی، که از آن نام خواهیم برد، طرح گفتمان عدالت و پیشرفت از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. رهبر معظم انقلاب با نگاه هوشمندانه و بر پایه‌ی استعداد فکری و انسانی به‌وجود آمده در عمر قریب سی ساله نظام روندی را شروع نمودند که به نوعی در مقایسه با روندهای واگرا، ایجابی در نظر گرفته می‌شد. این روند با طرح گفتمان عدالت و پیشرفت، آغاز شده و سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی دیگر مولود همین نوع نگاه بوده است. بر همین اساس گفتمان عدالت و پیشرفت در بازه زمانی اواخر دوره اصلاحات در نقش عاملی ظاهر شده است که روندهای هم‌گرایی مطالعات سیاسی به‌خصوص روند تمدن‌گرایی اسلامی پس از یک دوره افول و ایستادگی با آن تقویت و افق‌های آن گشوده شده است. آن زمان که امام خمینی(ره) جرقه‌های انقلابی پر نور را ابتدا با بیان نظری و سپس به‌صورت بحث‌های جریان‌ی در بین خواص، می‌زدند کمتر کسی گمان می‌کرد که نتیجه

۱. ر.ک به صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۲۱: ۲۲۰؛ پیام مشهور حضرت امام به گورباچف.

سال‌ها درس و بحث و تحقیق با پشتوانه ذخیره گرانبهای فقه شیعی و علمای سلف، به انقلابی اسلامی منجر شود که تمامی معادلات ظاهری حاکم بر دنیای را بر هم زده و طرحی نو در اندازد.

«آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هر چه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند»^۱. این پیشران را می‌بایست در امتداد روند تمدن‌گرایی اسلامی و حلقه‌های پنج‌گانه تحقق انقلاب اسلامی، چارچوب نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی دید.

به هر صورت این روند در بسترهای حوزه و دانشگاه و پس از انقلاب با حمایت مادی و معنوی نظام، رشد و نمو پیدا نمود و توانست بخشی از فضای مطالعات سیاسی را متأثر از خود نماید. دانشگاه باقرالعلوم(ع)، دانشگاه مفید، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه امام خمینی(ره)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، فرهنگستان علوم اسلامی و خیل بسیاری از مراکز علمی و پژوهشی، بخشی از نهادسازی این روند بوده که در قم به‌عنوان پایگاه اساسی معارف شیعی در کشور، انجام شده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، مدارس علوم و معارف اسلامی صدرا، مجمع عالی حکمت اسلامی و... نیز بخشی دیگر از نهادسازی این روند در تهران اسلامی شکل گرفت. این مراکز با پرورش نسل‌های جدیدی از دانشجویان و طلاب، در کنار انتشار مجلات گوناگونی با موضوعات تخصصی و ترویجی، سعی در بسط دیدگاه جهانی‌بینی محوری مطالعات سیاسی در وهله اول و سپس تولید مطالعات سیاسی مطلوب دارد. هرچند این روند با نهادسازی انجام شده هنوز با تحقق اهداف کلان و متعالی ج.ا.ایران فاصله دارد.

روند نظام دانش، آموزش و پژوهش

یکی از راههای بررسی روند مطالعات سیاسی و آشنایی با ماهیت، تکامل و عملکرد آن در ایران، ارزیابی آن به‌عنوان یک رشته در مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و دانشگاهی است. این مهم ضمن پرداخت به خاستگاه نظری، الگوی عملی آن را نیز مورد واکاوی قرار می‌دهد. در مسیر تکوین علم سیاست در ایران معاصر و تشریح روند آن، با اندک تسامحی می‌توان، چه از بُعد تاریخی و نظری و چه از جنبه آکادمیک و روش‌شناختی سه مرحله را مشخص کرد: مرحله نخست دوره‌ای را در بر می‌گیرد که با بروز نشانه‌های سازماندهی فکری نهضت مشروطیت یعنی بروز تحولی ژرف و بنیادی در تأسیس

۱. فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مؤسسات فرهنگی غربی در ایران از جمله تأسیس مدرسه عالی سیاسی در سال ۱۲۷۶ و دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ هم‌زمان است. همان‌طور که پیش‌تر در فصل یک به این پیشینه اشاره داشته‌ایم این دوران اساساً بر مبنای ارتباط هدفمند دول قاجار و رضاخان پهلوی با ساختارهای سیاسی فرهنگی غربی و دول اروپایی شکل می‌گیرد. مرحله دوم که به نوعی امتداد همین نوع تفکر به‌صورت اساسی‌تر هستیم در عصر سلطنت پهلوی سامان یافته و نظام آموزشی با گسترش روزافزون دانشجویان و رشته‌ها به خصوص علوم انسانی مواجه می‌شود. مطالعات سیاسی در این دوران بر پایه اندیشه وارداتی غرب و دانش آموختگان آن فربه می‌شود.

این دانش در ایران پس از انقلاب اسلامی دچار تحول اساسی نشد (ازغندی، ۲۰۰۳: ۱۳). اما برای تغییر روند در نظام آموزشی دانشگاه و به تبع آن علوم انسانی دو نهاد شکل گرفت: یکی ستاد انقلاب فرهنگی که تدوین سرفصل‌هایی را برای تحول آموزشی در نظر گرفت و بعدها در فرآیند تغییر ساختاری قرار گرفته و به نام شورای عالی انقلاب فرهنگی شناخته شد. سازمان دیگری که در بین سال‌های ۵۹ تا ۶۰ در قم سامان یافت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه بوده است. با بازگشایی دانشگاه‌ها در فروردین ۱۳۶۱ روند تغییرات نظام آموزشی به‌صورت حداقلی خود را نمایان ساخت. علی‌رغم آن که برنامه مصوب ستاد انقلاب فرهنگی، با برنامه قبلی تفاوت‌های آشکاری داشت، در محتوای علم سیاست و چارچوب آن نسبت به پیش از انقلاب تغییری جدی حاصل نشد.

از آن پس نیز با گسترش نظام آموزش عالی در سطوح تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دیگری نیز از سایر نقاط کشور به حوزه گسترده آموزش عالی در رشته علوم سیاسی ملحق شده و این روند با افزایشی قابل توجه در دهه‌های بعدی از عمر نظام ج.ا.ایران ادامه یافت به نحوی که در حال حاضر بنا به آخرین گزارش مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تعداد ۳ میلیون و ۷۹۴ هزار و ۴۲۰ دانشجو در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل هستند که از این تعداد یک میلیون و ۷۲۳ هزار و ۲۶۹ نفر زن و ۲ میلیون و ۷۱ هزار و ۱۵۱ دانشجو مرد هستند. همچنین رشته‌ی علوم انسانی با تعداد یک میلیون و ۹۷۰ هزار نفر دانشجو معادل ۴۶ درصد بیشترین دانشجو را دارد، کمترین سهم مربوط به رشته هنر یعنی ۵٫۴ درصد است، سایر رشته‌ها از جمله فنی مهندسی ۳۳٫۴ درصد، علوم پایه ۷٫۲ درصد، کشاورزی و دامپزشکی ۶٫۳ درصد و علوم پزشکی که متولی آن وزارت بهداشت است دارای ۱٫۳ درصد دانشجو است (خبرگزاری ایسنا).

در حوزه علوم سیاسی همچنان آمار دقیقی از آخرین وضعیت درس‌ورزان این رشته در دسترس نیست اما مقایسه‌ای میان درس‌های این رشته در پیش و پس از انقلاب، نوع و جهت‌گیری تغییرات محتوایی برنامه را بهتر نشان می‌دهد. بررسی سرفصل‌های ابلاغی وزارت علوم نشان می‌دهد که آخرین برنامه‌ی درسی رشته علوم سیاسی تا پیش پیروزی انقلاب دارای ۱۴۰ واحد (۷۴ واحد دروس اصلی اجباری، ۲۶ واحد دروس فرعی، ۳۰ واحد دروس عمومی و ۱۰ واحد دروس آزاد) و پنجاه عنوان درس بود (ازغندی، ۱۹۹۳: ۱۸-۲۰). در دروس عمومی دوره کارشناسی، توجه بیشتر به مبانی نظری

اسلامی و آشنایی با منابع اسلامی و همچنین تمرکز بر اندیشه سیاسی متبلور در انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گرفت. علاوه بر این در دروس اصلی دوره کارشناسی در کنار دروس متداول این رشته، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، انقلاب اسلامی، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تاریخ تحول دولت در اسلام و... مورد توجه قرار گرفت. این در حالی بود که در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی نیز اندیشه سیاسی اسلام به‌عنوان یکی از گرایش‌های محوری، پرداخته و به‌خصوص در سطوح تحصیلی ارشد و دکتری با اضافه شدن فقه سیاسی نیز به‌عنوان یکی از این گرایش‌های غالب، آموزش داده شد.^۱

علی‌رغم آن که برنامه مصوب ستاد انقلاب فرهنگی، با برنامه قبلی تفاوت‌های آشکاری داشت، در محتوای علم سیاست و چارچوب آن نسبت به پیش از انقلاب تغییری جدی حاصل نشد (باوی، ۲۰۰۹). مهم‌ترین امری که می‌توانست آموزش علم سیاست را دچار تحولی اساسی کند، تجدید نظر در آموزش «روش‌شناسی علم سیاست» بود. برای تقویت جریان بومی‌گرایی در علم سیاست، تجدید نظر در آموزش «روش‌شناسی علم سیاست» از هر جهت اولویت دارد. ضعف روش‌شناختی آموزش علم سیاست، موجب گردیده برخی دروس اسلامی در میان مجموعه این درس‌ها جایگاه منطقی روشنی نداشته باشند. در نتیجه دروس اسلامی و دیگر درس‌های متعارف علم سیاست به مانند دو خط موازی در کنار یکدیگر به پیش می‌روند، بدون آن که دانشجویان بتوانند منطقاً این درس‌ها را با یکدیگر ارتباط دهند. در این باره برخی گفته‌اند که آنچه مهم است، این واقعیت است که انقلاب با وجود واکنش قوی، تغییر عمده‌ای به‌وجود نیاورد، فقط درس‌های اسلامی به رشته‌ها اضافه شد. رویکرد به درس‌ها تغییری نکرد (پهلوان، ۱۹۹۴: ۱۲۵). ضعف دانشجویان علوم سیاسی از لحاظ روش، موجب گردیده که ذهن آنان به یک مخزن اطلاعات تبدیل گردد و به افزایش توانایی نقادی و پرورش قوه تحلیل آنان توجه کافی نشود (باوی، ۲۰۰۹).

یکی از آسیب‌های جدی که امروزه دامن‌گیر روند آموزش معارف سیاسی در مراکز دانشگاهی ما می‌باشد این است که محتوای مطالب درسی این رشته اکثراً با مبانی معرفتی و خاستگاه اعتقادی ما منطبق نیستند؛ زیرا قسمت اعظم تئوری‌های مطرح شده در متون علوم سیاسی موجود در نظام آموزش علوم سیاسی کشور ما وارداتی بوده، تفاوتی ماهوی با فرهنگ اسلامی و مقتضیات جامعه ما دارد (نامدار، ۲۰۰۸). همین مسئله دغدغه‌مندان حوزه مطالعات سیاسی را به تکاپو انداخته تا با ترسیم چشم‌انداز دانش سیاسی و تعیین افق‌های فرارو برای کاربردی کردن دانش سیاسی، راه را برای بازنگری رشته‌های موجود علوم سیاسی و اسلامی و ضرورت تعیین رشته‌های جدید مورد نیاز در این زمینه فراخ نمایند (عیسی‌نیا، ۲۰۱۳).

۱. ر.ک به اسناد دفتر برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ <https://prog.msrt.ir/fa>

با این وجود در حال حاضر باید گفت که روند کلان آموزشی مطالعات سیاسی در نظام ج.ا.ایران هم‌گرای با مطالعات سیاسی مطلوب نشده است. ارزیابی‌های میدانی در این باره نیز گواهی بر همین مدعاست (نظری، ۲۰۱۷)؛ تعدد و تعارض‌های قابل توجه در وضعیت‌شناسی دانش سیاسی در مراکز آموزشی و پژوهشی نیز گواهی دیگر است. جمع‌بندی ذیل که یکی از نتایج یازدهمین نشست سالانه انجمن علوم سیاسی است در همین راستا قابل ارزیابی است (جمالی، ۲۰۱۸).

| بحران‌های علوم سیاسی ایران | مشکلات و مضللات موجود بر سر راه علوم سیاسی ایران | ناکارآمدی علوم سیاسی | نگرش به‌شدت بدبینانه به علوم سیاسی | مداخله نهاد قدرت در علوم سیاسی (رابطه دانش و قدرت) | تحلیل طبقاتی علوم سیاسی ایران | متفرقه |
|--|---|--|---|--|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> - اسلامی‌سازی (و بومی‌سازی) - فقدان استقلال و از دست رفتن مرجعیت - بی‌نیازی به علوم سیاسی - دوبارگی: علوم سیاسی متعارف و بومی‌سازان - وجود «شبه‌علم» در علوم سیاسی | <ul style="list-style-type: none"> - گسترش بی‌رویه رشته - بحران اشتغال - اشتغال جایگاه‌ها و مناصب سیاسی توسط غیرمتخصصان - روزمرگی انجمن‌های علمی - تربیت سیاسی منجر به ظهور «شبه‌متظاهر» - کم‌توجهی به آثار کلاسیک ایرانی - کم‌توجهی به اقتصاد سیاسی | <ul style="list-style-type: none"> - کاربردی نبودن - انتزاعی بودن - ضعف ارتباط آموزش و پژوهش سیاسی با مسائل عینی و انضمامی جامعه - عدم پاسخ‌گویی به مسائل، پرسش‌ها و دغدغه‌های جامعه ایران - ضعف اثرگذاری | <ul style="list-style-type: none"> - خاستگاه غربی و وارداتی علوم سیاسی - غیربومی بودن درس‌ها - نامتناسب با اندیشه‌ها و باورهای اصیل ایرانی - حاکم بودن نظریه‌های خودکرا تا منتکرا | <ul style="list-style-type: none"> - تلاش برای ارائه نسخه‌ای از علم سیاست همسو با مناسبات سیاسی مستقر - قدرت سیاسی بر فراز نهاد علم و دانشگاه - ساماندهی و مدیریت رشته علوم سیاسی تحت نظارت نهاد‌های سیاسی و ایدئولوژیک خارج از دانشگاه - تلاش برای سازگار کردن علوم سیاسی با گفتمان حاکم پس از انقلاب | <ul style="list-style-type: none"> - تعلق استادان و صاحب‌نظران رشته علوم سیاسی به بخشی از طبقه متوسط شهری مدرن - نادیده انگاشتن منافع طبقاتی بخش‌های دیگر جامعه ایرانی - خداندن رسالت علمی برای پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات طبقاتی به غیر از اقتدار محدودی از طبقه متوسط مدرن (به‌همراه نقد رادیکال نگرش سایر طبقات و گروه‌های مرجع رقیب) | <ul style="list-style-type: none"> - وضعیت آشفته علوم سیاسی - کم‌تعداد بودن زنان تحصیل‌کرده علوم سیاسی در جامعه علوم سیاسی ایران - دغدغه اصلی استادان: تأمین منافع شخصی با تسویه‌های متفاوت و متنوع |

جدول ۱: تعبیرهای به‌کار رفته در مورد علوم سیاسی در ایران

آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی در ج.ا.ایران

پس از تحلیل روند مطالعات سیاسی اکنون زمان آن فرا رسیده است که برای افزایش تحقق چشم‌انداز، با تصویر کشیدن از آینده، هویتی بسازیم که بتوان در احساس و ادراک مخاطبان دانش سیاسی رسوخ نموده و آن را نهادینه سازیم.

۱. آینده بلندمدت (متهورانه)

در این آینده، مطالعات سیاسی به‌عنوان دانشی کارآمد و روزآمد ذیل علوم انسانی متعالی با مشخصات اساسی هم‌گرایی، هم‌افزایی و تلازم دین و سیاست، حیات انتقادی و پویا نسبت به نظریه‌های مطرح در حوزه دانش سیاسی و با اشراف بر آنها، به همراه مؤلفه‌های زیر تعریف خواهد شد: در انداختن طرح‌واره‌ای نوین و اساسی با تحول در مفاهیم، ایده‌ها، موضوعات، مجهولات، پیش فرض و روش‌ها و سازوکارهای تبلور دانش سیاسی در نظام سیاسی، با انگیزه تعالی جوامع بشری، منطبق بر شاخصه‌های کلان زیست جمعی ناظر به غایت معاد نظام تمدنی ج.ا.ایران یعنی عدالت، معنویت و عقلانیت، برآمده از جهان‌بینی محوری حوزه دانشی اندیشه اسلامی، مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی،

ناظر، مبین و متأثر از روند پنج‌گانه^۱ تمدن‌گرایی اسلامی، الگوساز برای سایر کشورهای اسلامی و الهام‌بخش برای تمامی کشورهای جهان.^۲

۲. آینده‌های میان مدت (شفاف)

آینده‌های شفاف تصویر شده می‌بایست وضعیتی ملموس از روند و آینده مطالعات سیاسی را ترسیم نمایند. بر این اساس آینده‌های تصویر شده را می‌توان در دو دسته کلی جای داد؛ مطالعات سیاسی بازدارنده در جهت دست‌یابی به آینده مطلوب تعریف نشده حتی بازدارنده نیز است. مطالعات سیاسی پیش‌برنده در جهت آینده مطلوب ارزیابی خواهند شد. این دو دسته کلی خود در ادامه دارای شقوقی می‌شوند که بیان می‌گردد.

• مطالعات سیاسی بازدارنده: این آینده دو دسته کلی آینده بازدارنده مبهم، آینده بازدارنده منفی را شامل می‌شود:

آینده بازدارنده مبهم: در این آینده ما شاهد این هستیم که روند مطالعات سیاسی نه مبتنی بر اندیشه‌های غیرمنطبق بر نیازهای بومی و داخلی نظام ج.ا.ایران بوده و نه از دل معارف و تعالیم غنی دانشی نظام ج.ا.ایران بیرون آمده است. در این آینده مطالعات سیاسی سرگردان بوده و حتی نمی‌توان لفظ بحران را بر آن نگاشت. از این حیث در جهت دست‌یابی به آینده مطلوب، بازدارنده است. در این آینده ما شاهد متون به نحو اخص و آثاری به نحو اعم، هستیم که به صورت التقاطی است و برداشت‌های متنوع و گاهاً متضادی نیز از منابع غیربومی و بومی در آن دیده می‌شود به طوری که نمی‌توان به قطعیت از آن به عنوان مطالعات سیاسی بومی یا مطالعات سیاسی غیربومی نام برد.

شاخصه‌های معیار برای تخمین مطالعات سیاسی در این گونه تولیدات متفرق بوده و نمی‌توان حتی تخمینی درست از آن داد. در این آینده به منابع بومی غنی نظام ج.ا.ایران توجهی در خور نمی‌گردد و به فراخور نیاز بدان ارجاع داده می‌شود. این مسئله حتی در مورد رجوع به منابع اندیشگی غرب و شرق نیز صادق خواهد بود. اساساً در این آینده همواره یک پا در سنت و یک پا در تجدد گذاشته شده و هیچ‌گاه به ماهیت و مبانی متفاوت این دو توجه نمی‌شود.

وقوع این آینده با تحلیل روند مطالعات سیاسی ممکن است چرا که در آثار قابل توجهی از مطالعات سیاسی می‌توان این‌گونه رویکرد را شاهد بود. در این شرایط ما امتناع اندیشه سیاسی را در نظام ج.ا.ایران خواهیم داشت.

از حیث محیط‌های آموزشی نیز تحولی رخ نداده و دانش‌آموختگان این رشته نمی‌دانند که در چه رشته‌ای و با چه محتوایی تحصیل نموده‌اند تا بتوانند نیازهای بیرونی را جبران نمایند. از همین رو اغلب

۱. این روندها دارای تقدم رتبی بوده و برگرفته از آرا رهبران عالی نظام ج.ا.ا. است. ایشان برای ترسیم روند انقلاب اسلامی نقطه آرمانی را شکل‌دهی تمدن اسلامی بیان نموده‌اند و برای نیل به این نقطه چهار گام متأخر را در نظر گرفته‌اند. بر همین اساس مطالعات سیاسی نیز در چشم‌انداز متهورانه خود می‌بایست این پنج روند را مدنظر داشته و برای تبیین و تحقق آن گام بردارد.

۲. برای طرح مؤلفه‌های جزئی‌تر این آینده‌ی بلندمدت نک به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و الگوی ۵۰ ساله اسلامی-ایرانی پیشرفت.

ایشان در رشته‌هایی غیرمرتبط به حوزه دانش سیاسی به کار گرفته خواهند شد. به دلیل ماهیت نازل تولید مطالعات سیاسی در این آینده، گسترش کمی آثار تولیدی یا مجلات مربوط به عناوین مطالعات سیاسی را خواهیم داشت که البته به دلیل داشتن همانند شرایط بازدارندگی مبهم، بر ابهام فضای اندیشه سیاسی در جامعه دامن زده و کمکی به رفع مشکل نخواهند نمود.

ما بنابر دلایل فوق لفظ ابهام را برای این آینده بیان نموده‌ایم که بگوییم این آینده همواره به دلیل داشتن ماهیت‌های متضاد و چندگانه از نظر معیارهای تخمین مطالعات سیاسی ابهام آمیز می‌باشد.

آینده بازدارنده منفی: در این آینده تصویر شده ما شاهد خواهیم بود که در تمامی معیارهای تخمین مطالعات سیاسی اعم از موضوع، مجهول، روش و پیش‌فرض و همچنین انگیزه‌های کاربرد، اساس معیارهای غیرمطلوب و غیربومی خواهد بود. نمایی از این آینده، که البته ما همواره با آن درگیر بوده‌ایم، مطالعات سیاسی کاملاً غربی - شرقی و منطبق با نیازهای جامعه غربی یا شرقی است. مدینه فاضله آثار، اندیشمندان و حتی دانشجویان در این آینده مبهم، جهان‌بینی غربی - شرقی بوده و فرآیند فرار مغزها نه به شکل ظاهری بلکه به‌عنوان امری اساسی و عمقی انجام می‌پذیرفته و به سطوح پایین‌تر از تحصیلات تکمیلی گسترش می‌یابد. نظام آموزشی در این آینده متصور اصولاً بر پایه اندیشه‌های غیرمرتبط با بوم کشور گسترش و تعمیق خواهد یافت.

این آینده علاوه بر ماهیت بازدارندگی خود، ما را در حوزه‌های دانش سیاسی به عقب نیز برده و آینده مطلوب مطالعات سیاسی را به رویایی دست نیافتنی بدل می‌نماید. ما در این آینده متون و آثاری را خواهیم داشت که بیش از حد دل‌بسته به اندیشه‌های غیربومی بوده و به دنبال نسخه‌پیچی برای نظام ج.ا.ایران با توجه به مبانی، مبادی، روش‌ها و... غیربومی هستند. ترجمه آثار اندیشه‌های غربی - شرقی نه با نگاه تعمیق و پذیرش نکات مورد تأیید منابع بومی، بلکه اساساً برای پذیرش همه جانبه صورت گرفته و به‌عنوان اهرمی برای تغییر از اساس اندیشه‌های بومی و رجوع بدان‌ها انجام می‌پذیرد. در این آینده، مطالعات سیاسی بنا بر جهان‌بینی محوری غیربومی طراحی شده که اساساً هویت اسلامی - ایرانی را برنتابیده و بیشتر ناظر بر روند جهانی‌شدن و تک صدایی اندیشه سیاسی در جهان، حال به‌عنوان مثال با محوریت لیبرال دموکراسی یا هر اندیشه دیگری، پیش می‌رود. چنین مطالعات سیاسی پیش‌تر به تقلید وابسته خواهد شد تا تولید اندیشه، لذا این آینده در پارادایم اندیشه‌های غیربومی تعریف می‌گردد و نه اینکه خود خاصیت پارادایم یا لااقل گفتمان‌سازی داشته باشد. از همین‌رو جایگاه ترجمه در این آینده بسیار برجسته و اثرگذار خواهد شد.

• مطالعات سیاسی پیش‌برنده: این آینده نیز دارای دو طیف کلی آینده پیش‌برنده مبهم، آینده پیش‌برنده مثبت است:

آینده پیش‌برنده مبهم: در این آینده مطالعات سیاسی نگاه به منابع بومی داشته و از دل بستن به منابع غیربومی گریزان است. البته تلاش بر این است که با شناختن منابع غیربومی گزاره‌هایی منطبق

با نیازهای بومی طراحی نماید. این آینده از این حیث که در جهت نیل به آینده مطلوب بوده پیش‌برنده به حساب می‌آید.

تنها مسئله البته مهم این آینده مطالعات سیاسی این است که یا در شناخت منابع بومی به درستی عمل نمی‌نماید و یا در تطبیق با نیازهای حال و آینده آن عاجز است لذا ما در این آینده می‌بینیم که تلاش در برگزیدن مطلوب موضوعات، مجهولات، روش‌ها و... با انگیزه تکامل اندیشه‌ای و ساختاری نظام ج.ا.ایران صورت می‌گیرد اما این تلاش با نوعی ایستایی همراه است.

بنابراین این آینده نیز با ابهام در پیش‌برد اهداف خود همراه است چرا که با پرداخت به منابع بومی با نگاه به منابع غیربومی و الگوگیری از آنها، راه برای ایجاد مسئله باز شده و شرایط را برای تدوین آثار متناسب با نیازهای حال نظام ج.ا.ایران فراهم می‌آورد.

نظام آموزشی در این آینده تلاش دارد تا با تاسی از منابع بومی خود را پالایش نموده و به کمیت و کیفیت دانش آموختگان مطالعات سیاسی بیشتر بیانیدشد. از همین‌رو شرایط را در این زمینه با نظارت بیشتر و اهتمام بالاتری دنبال می‌نماید. البته بدلیل نبود همان نگاه متعالی بومی در این آینده نیز ما با مسائل و مشکلاتی در حوزه آموزشی مواجه هستیم که با مسائل و مشکلات دو آینده متصور قبل متفاوت است، از جمله این که نوع تعامل میان مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و حوزه‌های علمی به‌خصوص حوزه و دانشگاه هنوز دارای ابهام بوده و دانش آموختگان هر دوی این مراکز تنها به‌صورت علاقه شخصی به حوزه دانشی مباحث طرف مقابل خواهد پرداخت.

مطالعات سیاسی در این آینده اگر چه برآمده از جهان‌بینی محوری حوزه دانشی اندیشه‌ی اسلامی است اما منطبق بر نظام تمدنی ج.ا.ایران با شاخصه‌های گفته شده عدالت، معنویت و عقلانیت نبوده و تنها در صدد شناخت برخی از وجوه آن است. در چنین آینده‌ای تنها قدم‌های کوچکی برای تحول در «مفاهیم، ایده‌ها، موضوعات، مجهولات، پیش‌فرض و روش‌ها، سازوکارهای نوین دانش سیاسی اسلامی» برداشته خواهد شد.

آینده پیش‌برنده مثبت: این آینده نزدیک‌ترین راه را به سوی دستیابی به آینده مطلوب خواهد داشت چرا که در آن، مطالعات سیاسی از دل منابع بومی برآمده و تلاش دارد تا خود را به‌صورتی با شرایط و نیازهای بومی نظام ج.ا.ایران در حال و آینده منطبق سازد. نظام آموزشی در این آینده تا حد بالایی از کارآمدی برخوردار بوده و کمیت و کیفیت دانش آموختگان را رصد و متناسب با آن در بیرون جایگاهی را در نظر گرفته است. آثار و متون تولیدی بیشتر ناظر بر نیازهای واقعی نظام ج.ا.ایران طراحی شده و در پی روزآمدی آن هستند. گام‌ها برای وحدت حقیقی حوزه و دانشگاه به‌عنوان دو بال حرکت به سوی آینده مطلوب مطالعات سیاسی به خوبی برداشته شده و این دو از نوع تعامل و ارتباط و وظایف متقابل خود نسبت به یکدیگر آگاه هستند. حوزه نقش خود را در اجتهاد موضوعی بسیار خوب ایفا نموده و دانشگاه نیز با آشنایی و واکاوی اندیشه‌های غیربومی روز جهان و همچنین دادن بازخورد آن به محیط‌های حوزوی، زمینه تولید مطالعات سیاسی بومی را به خوبی فراهم می‌آورند.

مطالعات سیاسی در چنین آینده‌ای حداقل، وجوه نظام تمدنی را یعنی تحقق عدالت، معنویت و عقلانیت، شناخته و تلاش دارد با کاربردهای آن را به دست آورد. این تلاش با نگاه تحول‌خواهی در «مفاهیم، ایده‌ها، موضوعات، مجهولات، پیش‌فرض و روش‌ها، سازوکارهای نوین دانش سیاسی اسلامی» همراه بوده و گام‌های مؤثری نیز در این راه برداشته می‌شود. در چنین آینده‌ای حداقل می‌توان به کارآمدی مطالعات سیاسی اندیشد و آن را برای الگوسازی به سایر کشورهای اسلامی عرضه نمود.

نتیجه‌گیری

با نیم‌نگاهی به تحلیل روند بیان شده و بررسی وضعیت موجود مطالعات سیاسی در خواهیم یافت که این حوزه دانشی، فرای از پیشرفت خیره‌کننده نظام ج.ا.ایران حتی در عرصه‌ی جهانی با محوریت حوزه علوم تجربی، در حال در جا زدن بوده و شرایطی ناهمگون با اهداف متعالی نظام ج.ا.ایران دارد. این وضعیت از این حوزه دانشی، بستری ناکارآمد برای تربیت و تعالی عناصر صاحب فکر را به وجود آورده است. دغدغه اساسی این پژوهش و مسئله مهم آن را تحلیل روند مطالعات سیاسی موجود در کشور شکل داده است. روند مطالعات سیاسی در ج.ا.ایران علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که از سوی پژوهندگان و اندیشمندان این حوزه صورت گرفته، هنوز به درستی منتج به نتیجه‌ای مطلوب و در خور با اهداف نظام ج.ا.ایران نگردیده است. این عدم موفقیت ناظر به فقدان تناسب داشته‌های نظام ج.ا.ایران از حیث معرفتی - دانشی و همچنین نیازهای موجود آن با توجه به شرایط حال و آینده‌اش، با نظام معرفتی دانش سیاسی و مؤلفه‌های هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه، روش‌شناسانه و غایت‌شناسانه آن است.

این مسئله باعث گردیده است که جایگاه رفیع علوم انسانی به‌طور عام و مطالعات سیاسی به‌طور خاص در نظام ج.ا.ایران به درستی نقش‌نگیرد و این دانش بیشتر در حاشیه نسبت به متن تحولات و تولیدات علمی دیده شود. این ناکارآمدی شاید با نگرش، رویکرد، اصلاح یا هر عنوان دیگری که این سال‌ها، بسیار از آنها ذیل عناوینی چون بومی‌سازی، اسلامی‌سازی یا... نام برده شده است، حل گردد اما تجربه این سال‌ها و بررسی روندهای دانشی در نظام ج.ا.ایران حاکی از آن است که اول قدم این راه پر فراز و نشیب، درک وضع موجود، دیدن نقطه مطلوب و راهکارهای به هنگام و به اندازه گذار از وضع موجود به مطلوب است. درک درستی از وضع موجود با نظر داشت به وضع مطلوب، زمینه را برای بیان آینده متصور مطالعات سیاسی فراهم می‌آورد. آینده‌ای که در آن به تناسب بازه زمانی دست‌یابی، از آینده پرمخاطره و متهورانه تا آینده‌های متصور شفاف دسته‌بندی صورت می‌گیرد. آینده پیش‌برنده مثبت بر اساس مختصاتی مطرح در این نوشتار، نزدیک‌ترین راه را به سوی دست‌یابی به آینده مطلوب خواهد داشت اما این آینده ممکن‌الوقوع است و نگارنده اعتقاد دارد که تحلیل روند مطالعات سیاسی اگر با رخداد قابل توجهی همراه نباشد در بهترین حالت به سمت آینده پیش‌برنده مبهم پیش خواهد

رفت. فرار گرفتن در مسیر آینده پیش‌برنده مثبت، نیاز به تکاپو و فراست جریان‌های دغدغه‌مند و پایبند به اهداف متعالی نظام ج.ا.ایران دارد.

References

- Alam, Abdolrahman (2009), *Foundations of Political Science*, 19th edition, Tehran, Ney Publications. (In Persian)
- Algar, Hamed (1981), *The Islamic Revolution of Iran*, translated by Morteza Asadi and Hassan Chizari, volume 1, Tehran, Qalam. (In Persian)
- Ali Babaei, Gholamreza (1990), *Culture of Political Science*, Veisi, Second volume. (In Persian)
- Andy, Hines (2006), *Strategic, Foresight the state of the art*, World future society, futurist september- October.
- Arista, Mohammad Javad; Akbari, Kamal (2011), "The Impact of the Establishment of the Islamic Republic of Iran on Political Jurisprudence", Quarterly Journal of Political Science, Year 14, Issue 55, Fall 90. (In Persian)
- Azghandi, Alireza (1993), "University Education of Political Science", Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Encyclopedia, 10-11, fall and winter. (In Persian)
- Azghandi, Seyed Alireza (2003), *Political Science in Iran*, volume 1, Open Book Publishing, Preface. (In Persian)
- Bashirieh, Hossein (2003), *Teaching Political Science*, volume 1, Tehran, Contemporary View. (In Persian)
- Bavi, Mohammad (2009), "The Situation of Political Science in Iran", Quarterly Journal of Political Science, volume 3. (In Persian)
- Behrooz Lak, Gholamreza; Alipour, Mahmoud (2011), "Application of Perspective Method in Political Studies", Quarterly Journal of Political Science Extension, spring. (In Persian)
- *Collection of Future Studies textbooks* (2011), first edition, Tehran, Center for Future Studies of Defense Sciences and Technologies, Defense Industries Educational and Research Institute, Volume One. (In Persian)
- Cornish, Edward (2008), *Advanced Futurology, An In-Depth Look at the Principles, Foundations, and Methods of Futurism*, First volume, Tehran, Defense Science and Technology Futures Research Center, Defense Industries Research and Training Institute. (In Persian)
- Crohn, Patricia (2010), *History of Political Thought in Islam*, First Edition, Tehran, Sokhan Publications. (In Persian)
- Darabi, Ali (2011), *Political Currents of Iran*, Publication of the Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Ninth volume. (In Persian)
- Derakhsheh, Jalal (2005), *Shia Political Discourse in Contemporary Iran*, Imam Sadegh (AS) University, First volume. (In Persian)

- Enayat, Hamid (1986), *Political Thoughts in Contemporary Islam*, Khorramshahi Translation, Second Edition, Tehran, Kharazmi Publications. (In Persian)
- Farihi, Davood (2010), *The Political System and Government in Islam*, Sixth volume, Tehran, Samat Publications. (In Persian)
- Fatemeh Shakerin (2009), *Secularism and Cultural Invasion*, Book Review Quarterly, Year 11, Issue 51. (In Persian)
- Ghadiri, Ruhollah (2011), *Study and Recognition of Future Study Methods*, First volume, Tehran, Defense Science and Technology Futures Research Center, Defense Industries Educational and Research Institute. (In Persian)
- Giddens, Anthony (1995), *Sociology*, translated by Manojar Sabouri, Second Edition, Tehran, Ney Publications. (In Persian)
- Glenn, Jerome (1998), *Interoduction to the futures research Methpdology series*.
- Haghighat, Seyed Sadegh (2008), *Methodology of Political Science*, Second volume, Qom, Mofid University Press. (In Persian)
- Hashemi, Mohammad Mansour (2006), *Modern theologians, religious intellectuals from Shariati to Malekian*, Tehran, Kavir Publishing. (In Persian)
- Hoodashtian, Atta (2001), *Modernity, Globalization and Iran*, Tehran, Chapakhsh Publications. (In Persian)
- Hosseinizadeh, Seyed Mohammad Ali (2007), *Political Islam in Iran*, First volume, Qom, Mofid University Press. (In Persian)
- <https://fa.wikishia.net/view>
- <https://www.isna.ir/news>
- Isaiiah, Reza (2013), *Perspectives on Political Knowledge*, Institute of Islamic Sciences and Culture, Book Garden Publishing, First volume. (In Persian)
- Jafari, Mohammad Taghi (1997), *Translation and explanation of Nahj al-Balaghah*, Volume 25, Tehran, Islamic Publishing and Culture Office. (In Persian)
- Jahanbakhsh, Behnam (1996), *Iranians and the Thought of Modernity in Post-Revolutionary Iran*, First Edition, Tehran, New Step. (In Persian)
- Jamali, Hossein; Jamali, Mukarrama (2018), "The Status of Political Science: Now and the Future", *Journal of Political Science*, Year 13, Issue 4, fall. (In Persian)
- Kamali Ardakani, Ali Akbar (2007), "The Islamic Revolution and the Transcendence of Shia Political Discourse", *Bi-Quarterly Journal of Political Science*, No. 5. (In Persian)
- Khalaji, Abbas (2007), *A Thesis entitled Theoretical Misalignments and Political Failure of Reformist Discourse*, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science. (In Persian)
- Khazaei, Saeed (2009), *Shaping the Favorable Tomorrow and the Art of Creating a Vision*, Vol. I, Tehran, Center for Future Studies in Science, Technology and Defense, Defense Industries Educational and Research Institute. (In Persian)
- Khosropanah, Abdolhossein (2010), *Intellectual Flow of Contemporary Iran*, Publication of Islamic Education, Second volume, Qom. (In Persian)
- Lakzaei, Najaf (2019). *Political Thought of Sadr al-Muta'allehin*, Book Garden, (in persian)

- Lindgren, Mets; Bandhold, Hans (2011), *Scenario Design: The Link between Future and Strategy*, Tehran, Defense Industries Research and Training Institute. (In Persian)
- Malekifar, Aqeel et al., (2006), *The Alphabet of Futurology*, Tehran: Karaneh Alam Publications. (In Persian)
- Mehdi Meshkout Al-Dini (Bitá), *Work Report and Summary of Humanities Roundtable Comments and the First Seminar on University Research Issues*, Tehran. (In Persian)
- Ministry of Culture and Higher Education (1988), *Review of Iran's Higher Performance*, Tehran, Higher Education Planning and Research Committee, March. (In Persian)
- Mir Mousavi, Seyyed Ali (2005), *Islam, Tradition, Modern Government: Modernization and Transformation in Contemporary Shiite Political Thought*, Tehran, Ney Publishing. (In Persian)
- Mohajer Nia, Mohsen (2007), *History of Political Thought in Islam Qabsat Quarterly*, No. 10, 20 and 21. (In Persian)
- Mohammadi Medicine, *A Critical Study of the Third Wave of New Iranian Political Thought*, pezesghi.blogfa.com. (In Persian)
- Namdar, Mozafar (2008), *Proceedings of the National Congress of Humanities*, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Nazari, Ali Ashraf (2017), "Analysis and Evaluation of the Situation of Political Science in Iran", *Journal of Political Science*, Year 13, Issue 1, winter. (In Persian)
- Pahlavan, Genghis (1994), "The Professor System in Iranian Universities" Interview, volume 5, fall. (In Persian)
- Pedram, Abdolrahim & et al (2009), *Futurology of Concepts and Methods*, First Edition, Tehran, Center for Futurology, Science, Technology and Defense, Defense Industries Educational and Research Institute. (In Persian)
- Rashad, Ali Akbar (2003), *Contemporary Theology*, First Edition, Tehran, Institute of Contemporary Culture and Thought. (In Persian)
- Safavi, Rahimzadeh (1989), *Secrets of the Fall of Ahmad Shah*, by Bahman Dehgan, First Edition, Tehran, Ferdowsi. (In Persian)
- Slater, Richard et al., (2009), *Innovation for the New Millennium*, volume 1, Tehran, Defense Industries Research and Training Institute. (In Persian)
- Soroush, Abdolkarim (1997), *Tolerance and Management*, Tehran, Sarat Cultural Institute. (In Persian)
- Tabatabai Far, Seyed Mohsen; *The Consequences of the Safavid Government for Shiite Political Jurisprudence*, *Quarterly Journal of Political Science*, No. 50, Summer 89. (In Persian)
- *Tensor Letter* (1975), Edited by Mojtaba Minavi, second edition, Tehran, Kharazmi Publishing. (In Persian)
- Zarshenas, Shahriar (2002), *Theoretical Foundations and the Modern West*, First volume, Tehran, Sobh Book. (In Persian)